Archive of SID.ir

فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی
دوره ۱۱، شماره ٤، شماره پیاپی (۲۸)، زمستان ۱٤۰۲، ص ۳۳۶ ـ ۳۱۷
مقاله پژوهشی

بررسی قابلیت اعمال الگوی حقوقی آتش‌نشان (نیت نجات جان فرد/افراد عامل رافعیت مسئولیت‌های کیفری و مدنی) در نظام حقوقی اسلامی-ایرانی

ابوذر بهروزی[۱] عباس کاظمی نجف‌آبادی[۲] سهیل طاهری[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۷

چکیده:

مسئولیت کیفری و مدنی حسب قواعد نظام حقوقی فعلی کشور ما شخصی بوده و قابلیت انتقال آن مستلزم طی تشریفات قضائی است. این در حالی است که به‌موجب قاعده آتش‌نشان در کامن‌لای ایالات‌متحده آمریکا، درصورتی‌که ایجاد خسارت باهدف نجات جان فرد/افرادی صورت گیرد، دعوای خسارت مستقیماً از سمت خسارت دیده علیه نجات‌یافته اقامه شده و نجات‌دهنده هیچ مسئولیتی نخواهد داشت. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی باهدف بررسی قابلیت کاربرد این قاعده در نظام حقوقی کشور انجام‌شده است. چنین نتیجه شد که در حال حاضر تنها به‌موجب قاعده فقهی احسان و استناد به اصل ۱٦۷ قانون اساسی، ابتدا خواسته جبران خسارت علیه نجات‌دهنده مطرح شده که معمولاً مورد تأیید قرار می‌گیرد، سپس دعوای ثانویه از طرف نجات‌دهنده علیه نجات‌یافته صورت گرفته که پذیرش آن به تفسیر قاضی از قواعد فقهی لاضرر، احسان، تسبیب و اتلاف بستگی دارد. بنابراین اجرای این قاعده در نظام حقوقی ایران با مشکلاتی مواجه می‌باشد. بنابراین برای اجرای دقیق این قاعده، نیاز است که قانون‌گذار ضمن اضافه کردن ماده یا تبصره‌هایی به قوانین مدنی و جزایی، در خصوص اصل مسئولیت به سبب اضطرار و با داشتن انگیزه مثبت، جنبه‌های انتقال آن، و تشریفات ساده رسیدگی به آن را مشخص نماید.

واژگان اصلی: مسئولیت مدنی، نظام حقوقی ایران، کامن لا، انگیزه، قاعده آتش‌نشان.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ppzhwhy71@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرقدس، ایران.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه و بیان مسئله

هیچ‌کس مجاز به آسیب زدن به جان و مال دیگری نیست. این مهم نوعی منطق و از بدیهیات حقوقی محسوب می‌شود. توصیه‌های فقهی نیز چنین بحثی را به‌پیش می‌کشد. به عقیده فقها و حقوق‌دانان، هرکس که به هر نحو موجب بروز خسارت به دیگری شود، می‌بایست آن را جبران نماید. براساس اصول و قواعد فقهی و حقوقی، هرکس موجب بروز خسارت به دیگری شود، با اجتماع شرایط و اسباب قانونی، مکلف به جبران خسارت است. البته در هر مورد که زیانی به دیگران برسد، مسئولیت ایجاد نمی‌شود؛ بلکه از بعد قوانین موجد حق، لازم است که فعل زیان‌بار، نامشروع باشد و منظور از کار نامشروع، کاری است که مجموعه قانون، اخلاق و نظم عمومی آن را جایز نداند. در حال حاضر در منابع حقوق مدنی، تأسیس صریحی به نام «جبران خسارت» وجود نداشته و مسائل مرتبط با این مهم به‌صورت پراکنده در جای‌جای منابع حقوقی قرار دارد. اما تأسیسی به نام «مسئولیت مدنی» بیشترین پوشش را بر جبران خسارت داشته، به‌نحوی‌که در برداشت حقوق‌دانان از عنصر خسارت مندرج در منابع حقوقی، مسئولیت مدنی جزئی لاینفک از آن محسوب می‌شود. بنابراین در تأسیس مسئولیت مدنی، جبران خسارت جای داشته و مفاد قانون مرتبط با خسارت نیز به نحوی به این عنصر پیوند خورده است.

چنانچه بیان شد، عمده بحث جبران خسارت به مسئولیت مدنی مربوط بوده و درواقع هر شخصی که مسئولیت مدنی وی محرز گردد؛ ملزم به جبران خسارت است. بنابراین تأسیسی به نام مسئولیت مدنی ایجادشده که علاوه بر ذکر در «ق.م»، در سال ۱۳۳۹ تحت منبع حقوقی مستقل با نام «قانون مسئولیت مدنی» (در این پژوهش مختصراً با نام «ق.م.م» ذکرشده است) مطرح شد. در خصوص مفهوم خسارت، تعاریف متعددی بیان‌شده است. اما به نظر جامع‌ترین تعریف خسارت عبارت است از «ورود لطمه و زیان به جان، مال و عرض اشخاص» حقوق‌دانان بر پایه مباحث فقهی و همچنین مفاد مصوب قانونی که در حال حاضر در منابع قانون موجود است وجود سه شرط ۱-بروز خسارت، ۲- فعل/ترک فعل زیان‌بار و ۳-رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار با خسارت را برای انتساب مسئولیت مدنی جبران خسارت برشمرده که در رویه حقوقی کنونی، این ارکان به‌عنوان شرایط احراز مسئولیت مدنی جبران خسارت شناخته‌شده و مصادیق جبران خسارت خارج از این ارکان برای حقوق‌دانان بیگانه است. اما جبران خسارت همواره به تحقق ارکان ثلاثه محدود نبوده و تحت شرایط خاص خارج از این ارکان، افراد ملزم به جبران خسارت هستند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تمرکز حقوقدانان به مبحث مسئولیت مدنی جبران خسارت بوده و نیاز است که تأسیسی جدید در خصوص شرایط احراز جبران خسارت ایجاد شود.

در کامن‌لای ایالات‌متحده آمریکا، تأثیر انگیزه بر مسئولیت جبران خسارت تصریح‌شده که به «قاعده آتش‌نشان»[1] معروف است. مطابق این قاعده، اگر با هدف نیت خیر و کمک‌رسانی به فرد/افرادی، خسارتی ایجاد شود، مسئولیت جبران خسارت مستقیماً به ذی‌نفع منتقل می‌گردد. باتوجه به این‌که این وضعیت ممکن است در شغل آتش‌نشانی حادث شود، به‌قاعده آتش‌نشان معروف است. اگر آتش‌نشان باهدف نجات جان فرد/افرادی به هر نحو موجب ایجاد خسارت به اشخاص ثالث شود، ارکان ثلاثه مسئولیت مدنی وی محرز است. اما مسئولیت جبران خسارت به ذی‌نفعی منتقل‌شده که در ایجاد آن خسارت نقشی نداشته است. این تأسیس در قوانین مدنی کشور ما هیچ صراحتی نداشته و بیشتر جنبه اخلاقی دارد. این در حالی است که گاه برای نجات جان فرد/افرادی چنین اقدامی ضرورت داشته و نیاز است که ازنظر حقوقی به بررسی موضوع پرداخته شود. در این پژوهش محقق امکان به‌کارگیری این قاعده کامن‌لایی را در نظام حقوقی ایران مورد واکاوی قرار داده است.

در خصوص مسئولیت مدنی، تحقیقات بسیار گسترده‌ای در سطوح داخلی و خارجی در قالب‌های مختلف (مقاله، پایان‌نامه و کتاب) انجام‌شده است. در خصوص اثر انگیزه و نیت بر مسئولیت، عمدتاً در حقوق کیفری تحت عنوان «جرائم غیرعمدی» صحبت شده و بررسی آن در حقوق خصوصی جایگاهی ندارد. درعین‌حال در خصوص قاعده آتش‌نشان تنها چند تحقیق مختصر بین‌المللی وجود دارد. بنابراین پیشینه مرتبط با موضوع وجود نداشته و مرتبط‌ترین موضوعات در حیطه مسئولیت مدنی قرار دارد.

- ارتباط با الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی

یکی از خصایص ایرانی و مسلمان بودن، کمک به هم‌نوع است. فرهنگ اسلامی-ایرانی نوعی فضایل اخلاقی را برای شهروندان ایجاب کرده که برای جهانیان الگو خواهد بود. متأسفانه در خلأهای تقنینی کنونی، ممکن است کمک به همنوع با مشکلاتی حقوقی همراه باشد و این مهم عاملی بازدارنده از این اقدام جوانمردانه است. این در حالی است که نظام قضائی ایالات‌متحده آمریکا که مجموعه بیش از سه سده از عمر آن نمی‌گذرد، چنین تدبیری اندیشیده و شهروندان

[1] Fireman Rule

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فارغ از مشکلات حقوقی به کمک به همنوعان اقدام می‌نمایند. نیاز است که ضمن بررسی این مهم، پیشنهادهای اصلاح این موضوع به مسئولین کشور داده‌شده که ضمن مرتفع شدن مشکلات حقوقی این حوزه، شهروندان بدون هیچ دغدغه‌ای به کمک به همنوعان اقدام کرده و درنهایت این مسئله فرهنگی به‌عنوان الگوی دیگر ملت‌ها قرار گیرد.

۱-اهداف و **سؤالات پژوهش**

سؤال پژوهش این است که وضعیت قاعده آتش‌نشان که در نظام کامن‌لایی ایالات‌متحده آمریکا صراحت دارد، در منابع حقوقی ایران به چه صورت است؟ در صورت اجرای این قاعده بایسته‌های اصلاح تقنینی آن چیست؟

هدف پژوهش پاسخ‌دهی به سؤال فوق و امکان‌سنجی اجرای این قاعده در نظام حقوقی ایران می‌باشد.

۲-پیشینه پژوهش

چنانچه بیان شد، در حیطه مسئولیت مدنی، تحقیقات وسیعی انجام‌شده است. اما تاکنون به امکان‌سنجی قاعده آتش‌نشان در نظام حقوقی ایران توجهی نشده و عمده مباحث این حوزه در حقوق کیفری مورد واکاوی قرارگرفته است. بنابراین انجام این تحقیق در حیطه حقوق خصوصی و جبران خسارت، در نوع خود، دارای نوآوری بوده و حتی در سطح بین‌الملل نیز باوجود اشارات مختصر به‌قاعده آتش‌نشان، کاربرد آن در نظام‌های حقوقی نوشته مورد بحث قرار نگرفته است. لذا این پژوهش در نوع خود نوآورانه محسوب می‌شود.

٤-ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

در این قسمت به بیان مباحث نظری پژوهش پرداخته‌شده است. هدف آن است که معرفی مختصر از مفاهیم پژوهش صورت پذیرد. مباحث مطروحه حول دو محور قاعده آتش‌نشان و وضعیت جبران خسارت در حقوق ایران متمرکز است.

٤-١. قاعده آتش نشان

یکی از اساسی‌ترین قواعدی که در زمینه تأثیر انگیزه در مسئولیت مدنی در حقوق آمریکا می‌تواند مثمرثمر باشد، قاعده آتش‌نشان می‌باشد. سه منطق، اساس و بنیاد این قاعده را تشکیل می‌دهند. منطق اول؛ بر اصل قبول مخاطره [اصل اقدام به ضرر خود یعنی اگر کسی دانسته قبول خطر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کند، مستحق دریافت خسارت بابت زیان وارده نیست] استوار است که مطابق آن جبران خسارت از باب مسئولیت مدنی، زمانی که مأمور به میل و خواست خود با یک خطر خاص روبرو می‌شود، با مانع مواجه می‌گردد. منطق دوم؛ از تعهد یا التزام مأمور به وظایف [قبول وظایف توسط مأمور] یا خطرات قابل پیش‌بینی شغلی نشاءت می‌گیرد. منطق سوم؛ منطق توزیع خسارات است که براساس آن جبران خسارت از باب مسئولیت مدنی باوجود در دسترس بودن، برنامه قانونی جبران خسارت با مانع مواجه می‌گردد (صادقیان[1] و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۷۱). در رابطه با این منطق‌ها، قاعده مزبور تنها از آن دسته از دعاوی‌ای ممانعت به عمل می‌آورد که در رابطه با خسارات و زیان‌های ناشی از رفتار خلاف قانونی اقامه‌شده باشند که باعث حضور مأمور در صحنه شده است. خسارت یا زیانی که مستقل از رفتار خلاف قانونی واقع می‌شود که مأمور نسبت به آن پاسخ می‌دهد، خارج از قلمرو قاعده است و مأمور قادر خواهد بود که از باب مسئولیت مدنی مبادرت به طرح مرافعه و اقامه دعوا نماید (میمیکائیل[2] و اسمیت، ۲۰۲۱: ۸۲۵).

قاعده مأمور آتش‌نشانی در ابتدا و در اصل بر این واقعیت متکی بود که مأموران آتش‌نشانی که در حال پاسخ دادن به یک حریق هستند، به‌عنوان وارد شوندگان داوطلبانه به ملک شناخته می‌شدند که مالکان ملک نسبت به آن‌ها وظیفه مراقبت اندکی را بر دوش داشتند (صادقیان و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۲۷). ازاین‌رو، یک مأمور آتش‌نشانی لطمه‌دیده به‌طورکلی نمی‌توانست صاحب‌ملک را مورد تعقیب قانونی قرار دهد و از وی ادعای خسارت کند. با این وجود، در کالیفرنیا تمایزها و تفاوت‌ها در وظیفه مراقبت که یک وارد شونده داوطلبانه به ملک مالک بر دوش داشت، با پرونده تاریخی و تاریخ‌ساز «رُلند علیه کریستیان»، برچیده شدند. رأی پرونده رُلند تمایزها و تفاوت‌های مطرح در وظیفه مراقبت را که بر عهده یک وارد شونده اختیاری قرار داشت، بر مبنای وضع قانونی وی برچید و در عوض یک وظیفه کلی مراقبت معقول را بر دوش هر وارد شونده داوطلبانه‌ای قرار داد (واتکینس[3] و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۲۱). تا جایی که قاعده مأمور آتش‌نشانی مانع و سدی بر سر راه جبران خسارت از باب مسئولیت مدنی به دلیل وضع قانونی خواهان به عنوان یک مأمور پلیس یا مأمور آتش‌نشانی، صرف‌نظر از طبیعت رفتار صاحب‌ملک،

[1] Sadeghian
[2] McMichael
[3] Watkins

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌باشد. این قاعده با رأی و نظر دادگاه در پرونده رُلند تناقض و مغایرت دارد. بااین‌همه، یک دهه بعد از پرونده رُلند، دادگاه عالیِ کالیفرنیا در پرونده والترز علیه اسلُوان، چنین صلاح‌دید که نه‌تنها قاعده مأمور آتش‌نشانی را حفظ کند، قاعده‌ای که تا آن زمان فقط در مورد مأموران آتش‌نشانی لطمه دیده بر اثر تقصیر یا بی‌احتیاطی اعمال می‌شد، آن را نسبت به مأموران پلیس نیز توسعه دهد (داویدسون[1] و اسچراگر[2]، ۲۰۲۱: ٤٥).

٤-۲. وضعیت جبران خسارت در حقوق ایران

چنانچه اشاره شد، در نظام حقوقی کشور ما، جبران خسارت عمدتاً در مباحثی تحت عنوان مسئولیت مدنی طرح‌شده و تمرکز حقوق‌دانان در بحث جبران خسارت، بر انتساب مسئولیت مدنی با ارکان ثلاثه است، در صورتی‌که برخی تحقیقات حقوقی به این وضعیت ایراد وارد کرده و با طرح مسائلی ازجمله خسارت مشترک یا خسارت همگانی، جبران خسارت را خارج از مسئولیت مدنی، صحیح دانسته‌اند. مسئله خسارت و جبران آن، در حیطه روابط شخصی افراد قرار داشته و لذا در مباحث حقوق خصوصی جای دارد. در حیطه حقوق کیفری، پرداخت خسارت جانی تحت عنوان دیه مطرح است، چرا که برای خسارت جانی معادلی نبوده و قانون‌گذار کیفر دیه را مدنظر قرار داده است. بنابراین، می‌توان چنین تفکیک نمود که جبران خسارت مادی در حیطه حقوق خصوصی و جبران خسارت جانی در مباحث حقوق کیفری جای دارد، هرچند که در نظام‌های حقوقی غربی این تفکیک وجود نداشته و دادگاه‌ها توأمان به رسیدگی تجمیعی می‌پردازند.

دو منبع بسیار مهم حقوق خصوصی شامل «ق.م» و «ق.م.م» در خصوص جبران خسارت مادی مطالبی بیان داشته که به‌صورت کلی در خصوص الزام ذی‌نفع به جبران خسارت مطلبی بیان نشده است. در تحقق مسئولیت مدنی به معنای خاص، عناصری می‌بایست محقق شوند که حسب تفسیر حقوق‌دانان از «ق.م» و «ق.م.م» شامل سه شرط بوده و به ارکان ثلاثه جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی معروف می‌باشند. به‌عبارت‌دیگر شرایط سه‌گانه‌ی تحقق مسئولیت مدنی عبارت‌اند از:

۱-ضرری که به خواهان واردشده است.

۲-تقصیر واردکننده‌ی زیان.

[1] Davidson
[2] Schragger

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-رابطه‌ی سببیت؛ که غیر از رابطه‌ی علیت منطقی است. به این معنا که زیانی که به شخصی واردشده است ناشی از تقصیر یا فعل زیان‌بار خوانده است و از انتساب و استناد ضرر به فعل شخص سخن به میان می‌آید.

ضرری که در مسئولیت مدنی وجود دارد، ضرر عرفی است. به عبارت دیگر صدمه‌ی مادی، معنوی و بدنی است که به شخص وارد می‌شود. در اینجا عرف است که قضاوت می‌کند ضرر وارده نامتعارف و نارواست یا نه. البته قضاوت عرف می‌تواند بسیار گسترده باشد و طیف وسیعی را در بربگیرد. به همین دلیل برای ضرری که در قالب نظام مسئولیت مدنی می‌توان جبران نمود، مشخصاتی را بیان کردند(فرزانه و حیاتی، ۱۳۹۹: ۱٤۰).

شش ویژگی را برای ضرر قابل جبران برشمرده‌اند:

- ضرر باید مسلم باشد و نه احتمالی و ظنی.
- باید مستقیم باشد.
- شخصی باشد (یعنی کسی که دعوا اقامه می‌نماید و ادعای خسارت می‌کند، باید زیان‌دیده یا قائم‌مقام او باشد (مانند وارث).
- ضرر باید درنتیجه‌ی لطمه‌ای که به‌حق شخص یا نفع مشروع او واردشده به وجود آمده باشد.
- ضرر نباید قبلاً جبران شده باشد.
- ضرر باید قابل پیش‌بینی باشد (طباطبائی نژاد و کاظمی، ۱۳۹۸: ۷۱۰) .

تعریفی که برای تقصیر بیان داشتند این است که عمل نامشروع غیرقانونی است گاهی از آن به عمل قابل سرزنش تعبیر می‌شود. پس اگر عملی قانونی باشد و قابل سرزنش نباشد، تقصیر نیست. تقصیر طبق قانون مدنی اعم از افراط‌وتفریط است. افراط، کاری است که باید تا حد معینی انجام شود، درحالی‌که بیش‌ازحد متعارف انجام می‌شود. تفریط هم ترک عمل یا خودداری از انجام عملی است به‌موجب قانون، قرارداد یا عرف باید انجام می‌شد (شایگان و آشوری، ۱۳۹۷: ۵۵).

در مسئولیت مدنی سبکی و سنگینی تقصیر، عمدی یا غیرعمدی بودن آن در تحقق آن تأثیری ندارد. برخی موارد را به‌عنوان علت‌هایی که تقصیر را توجیه و مشروع می‌کنند، نام می‌برند. این موارد عبارت‌اند از حکم قانون و دستور مقام صالح قانونی، دفاع مشروع (این مبحث نیاز به توضیح جداگانه دارد)، اضطرار، رضایت زیان‌دیده، اجبار و اکراه و همچنین غرور (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

البته اینکه بتوان به راحتی وجود رابطه‌ی سببیت را تشخیص داد، کار آسانی نیست. زیرا عوامل مختلفی ممکن است در ورود خسارت نقش داشته باشند. به عبارت دیگر، سبب‌های متعددی منجر به ورود خسارت شده‌اند. در این موارد راه‌حل‌های مختلفی پیشنهاد شده است برای آنکه خسارت زیان‌دیده، بدون جبران باقی نماند (حسینی‌نژاد. ۱۳۸۹: ٦۹).

اگر کسی که خوانده دعوای جبران خسارت است، بتواند قوه‌ی قاهره (مانند سیل، زلزله، باد و ...) را اثبات کند که باعث ورود خسارت شده، از مسئولیت مبرا می‌شود.

البته در حال حاضر نظریه‌های مختلفی پیرامون مسئولیت مدنی مطرح می‌شود که حتی اگر قوه‌ی قاهره هم اثبات شود، بازهم واردکننده‌ی زیان مسئول است (مانند مسئولیت محض).

دعوایی که پیرامون مسئولیت مدنی مطرح می‌شود، خواهان و خوانده‌ای دارد. خواهان، زیان‌دیده یا قائم‌مقام یا نماینده‌ی قانونی اوست. خوانده نیز کسی است که ازلحاظ قوانین و مقررات موظف به جبران خسارت است. خواسته نیز می‌تواند جبران خسارت از نوع مادی و معنوی باشد (حبیبی قبادیان، ۱۳۹۷: ۵۵).

راه‌حل دیگر نیز جبران خسارت از طریق دادن معادل آن است. این راه‌حل وقتی کاربرد دارد که اعاده‌ی وضع به حالت قبل از ورود زیان میسر نباشد. این روش جبران خسارت یا دادن معادل غیر نقدی یا جبران نقدی ضرر است. برای جبران خسارت‌های بدنی و معنوی بیشتر از روش جبران نقدی استفاده می‌شود. چنانچه از منابع حقوقی مشخص است، قاعده آتش نشان در منابع حقوق خصوصی کشور جایی ندارد. اما این مهم جایگاه اخلاقی و عرفی داشته و ذی‌نفع می‌بایست خود را متعهد به جبران خسارتی دانسته که باهدف نجات جان و مال وی ایجادشده است. اگر ذی‌نفع از پذیرش این خسارت استنکاف کند، وضعیت الزام حقوقی وی دارای خلأ است، چراکه منابع حقوقی به این امر تصریح نکرده‌اند.

به‌موجب ماده ۱۷ ق.م.ا «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به‌موجب قانون مقرر می‌شود.»

باتوجه به اینکه حقوق کیفری شامل مجموعه مباحث مرتبط با روابط بین حکومت و مردم است، بنابراین جبران خسارت مادی که روابط بین اشخاص می‌باشد در این حیطه جای ندارد. جبران خسارت جانی امکان‌پذیر نیست و برخی حقوق‌دانان پرداخت پول در قبال آن را باارزش و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شأن انسانی دارای منافات می‌دانند. اما به‌هرحال قانون‌گذار از جهت جنبه جبران نسبی و همچنین بازدارندگی، مجازات دیه را منبعث از مباحث فقهی در قانون منعکس کرده است. بحث گسترده در این خصوص خارج از بحث پژوهش کنونی است. اما تنها به ذکر این نکته اکتفا شده که خسارات جانی مشتمل بر دو نوع است. برای نوع عمدی، مجازات قصاص و برای نوع غیرعمد آن، مجازت دیه لحاظ شده است. گاه عناوین دیه که نوعی جبران خسارت جانی است با خسارت مادی خلط شده و از هر دو باعنوان خسارت یادشده که بیانی اشتباه است (رنجبر، ۱۳۹۵: ۷٤). حتی در صورت استفاده از عنوان «خسارت» می‌بایست با قید عناوین مالی یا جانی، بین این دو بحث تفکیک قائل شد.

٤-۳. وضعیت قاعده در نظام حقوقی کنونی

چنانچه بیان شد، در خصوص کاربرد قاعده آتش‌نشان در حقوق کشورمان، بحث‌های خاصی وجود داشته و جملگی این بحوث نشان از خلأ حقوقی این مهم دارد. در وضعیتی که منابع حقوقی صراحتاً به یک موضوع اشاره ندارد، پیگیری قضائی در این خصوص با مشکلاتی متعدد همراه بوده و از نظر حقوقی نیز تفاسیر متعارضی وجود دارد. در این مبحث، کاربرد قاعده آتش-نشان در نظام حقوقی کشور از چند جنبه مورد واکاوی قرار گرفته است.

منابع فقهی چندان اشاره صریحی به موضوع نداشته و لیکن حسب تفسیر موسع از آن می‌توان تکلیف قاعده را مشخص ساخت. به موجب اصل ۱٦۷ ق.ا.ا منابع فقهی بخشی از منابع حقوقی محسوب شده و در صورت خلأ منابع حقوقی، قاضی می‌تواند به این منابع تمسک جوید. مرتبط‌ترین قواعد در این باب، قواعد احسان، تسبیب، اتلاف و لاضرر می‌باشند. قاعده تسبیب ازجمله قواعد فقهی مؤثر در باب ضمان است (یزدانیان، ۱۳۷۹: ٤۳). براساس این قاعده اگر شخصی باواسطه سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت انتساب خسارت به او ضامن خواهد بود. مستندات این قاعده روایات و اجماع است که روایات مربوطه بیشترین نقش را در اثبات قاعده دارند. قاعده تسبیب رابطه تنگاتنگی باقاعده اتلاف دارد (بادینی، ۱۳۹۵: ٥٦). براساس قاعده اتلاف اگر شخص به‌طور مستقیم و مباشرا موجب ورود خسارت به دیگری شود، ضامن جبران خسارت است. (عموزاده، ۱۳۹۵: ۳۲). اما در تسبیب، علاوه بر انتساب تقصیر نیز شرط است. لذا در دعاوی مطرح‌شده تحت عنوان تسبیب، زیان‌دیده باید علاوه بر اثبات زیان، وجود تقصیر را نیز اثبات نماید. همچنین در اتلاف همیشه فعل مثبت موجب ورود خسارت است و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هیچ‌گاه ترک فعل از مصادیق اتلاف نمی‌تواند باشد، درحالی‌که در تسبیب علاوه بر اینکه در اثر فعل مثبت، زیان متوجه غیر می‌گردد با ترک فعل هم زیان متصور می‌باشد (قاسم زاده، ۱۳۸۷: ٦٥).

براساس قاعده تسبیب، اگر کسی به‌طور غیرمستقیم و مع‌الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد، ضامن بوده و مسئول جبران خسارت می‌باشد، اعم از اینکه موجب شدن عمدی باشد یا غیرعمدی و اعم از اینکه در اثر انجام فعلی باشد، مانند اینکه کسی دیگری را وادار به دزدی کند، و یا در اثر ترک وظیفه‌ای، مثل‌اینکه متصدی نگهداری از حیوان از مهار کردن حیوان خودداری ورزد و حیوان مزرعه را تباه کند (طباطبائی لطفی و روشنی، ۱۳۹۵: ۷۳).

براین اساس می‌توان چنین بیان داشت که باوجود عدم دخالت ذی‌نفع در بروز خسارت، حسب قواعد مذکور، وی مسئول جبران خسارت است، چراکه اگر موقعیت خطر برای وی وجود نداشت، این خسارت نیز ایجاد نمی‌شد. بنابراین وی در جریان نجات جان خویش می‌بایست هزینه نماید.

در حال حاضر پرارجاع‌ترین قاعده فقهی در این مورد، قاعده احسان است، چرا که به موجب این قاعده، نجات جان فرد/افراد بر هر چیزی واجب است، لذا نجات‌دهنده مستحق محکومیت به پرداخت خسارت نیست. این قاعده با وجود تکرر زیاد در منابع فقهی، جایگاهی قوی در منابع حقوقی ندارد.

اگر از حیث قاعده لاضرر به مسئله نگریسته شود، این قاعده مستند به دلیل عقل است؛ زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه[1] این قاعده مسلم می‌گردد (فخر المحققین، ۷٦۰ ه.ق: ٤٨).

قاعده «لاضرر» ادله مذکور استخراج و از مبانی مورد اتفاق اهل تسنن و امامیه است و در کتب روایی به نحو تواتر اجمالی دیده‌شده، و فقهاء آن را به‌عنوان «کبری قضایای فقهی» مطرح ساخته‌اند. احکامی همچون حکم حرمت ضرر رساندن، حرمت مقابله ضرر با ضرر دیگر، وجوب تدارک و جبران ضرر ناروا، و ... از این قاعده به‌دست‌آمده‌اند. این قاعده از متن روایات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، گرفته‌شده است تا جایی که شماری از فقیهان ادعای تواتر کرده‌اند.

همچنین در شریعت اسلام هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی

[1] کلما حکم به العقل حکم به الشرع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

باشد، مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادها نباید موجب ورود زیان بـر طـرفین گردنـد و بر همین اساس و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خیارات) در معـاملات در نظـر گرفته‌شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مشمول «خیـارات» دانسـت و بـه‌جز سـه خیـار، مجلـس، حیوان و تأخیر ثمن که مختص عقد بیع است؛ تمامی خیارات (شرط، رؤیت و تخلف وصـف، غـبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط) در کلیه عقود جاری هستند (بجنوردی، ۱٤۱۹ ه.ق: ۳۲).

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که حسب قاعـده لاضـرر، دفـع هرگونـه خطـر و ضـرر، وظیفه انسانی محسوب می‌شود. برای اجرای یـک وظیفـه شـرعی و انسـانی، نبایـد هـیچ هزینـه‌ای صرف شود. اگر پرداخت خسارت بر عهده نجات‌دهنده باشد، این امـر ممکـن اسـت انگیـزه‌ای بـر عدم نجات جان در معرض خطر باشد. حسب قواعد تسبیب و اتلاف نیز جبران زیان که به‌صـورت غیرمستقیم ایجادشده به رسمیت شناخته‌شده است. حسب قاعده احسان نیز نجات جـان انسـان هـا نباید با موانعی روبرو باشد. بنابراین می‌توان چنین بیان داشت که در جریان نجات جـان در معـرض خطر، ایجاد خسارت مالی امری منطقی بوده و در جریان نجات مـال، خسـارت کمتـر از مـال نیـز امری منطقی و عقلانی است. این مهم حسب قاعده لاضرر یک تکلیف بوده کـه می‌بایسـت انجـام شود. درعین‌حال شخص در معرض خطر به‌صورت غیرمستقیم در بروز این خسارت نقـش داشـته که ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد و این مهم حسـب قاعـده تسـبیب و اتـلاف می‌توانـد از ارکان مسئولیت جبران خسارت باشد. لذا قاعده آتش‌نشان حسب تفسـیر موسـع از قواعـد مـذکور صحیح بوده و قضات می‌توانند ضمن اشاره به این مهم و همچنین استناد به اصـل ۱٦۷ ق.ا.ا نسـبت به صدور احکام مشابه با ایالات‌متحده آمریکا اقدام نمایند.

در تفسیر منابع حقوقی، قاعده آتش‌نشان را نمی‌توان دریافت. دو منبع مهم حقـوق خصوصـی شامل «ق.م.م» و «ق.م» تنها به مسئولیت مدنی جبران خسارت اشاره‌کرده که صـحیح نیسـت. حتـی دیگر موارد جبران خسارت من‌جمله خسارت مشترک که خارج از ارکان ثلاثه می‌باشـد در ایـن دو منبع حقوقی ذکر نشده است. بنابراین ثبوت مسئولیت جبران خسارت خارج از ارکان ثلاثه بوده کـه قانون‌گذار به آن توجه کافی ننموده است. ادبیات منابع حقوقی مذکور به‌گونـه‌ای اسـت کـه جبـران خسارت تنها در صورتی الزامی می‌گـردد کـه مسـئولیت مـدنی ثابـت شـود، درحالی‌کـه خسـارت مشترک که در قانون دریایی مصوب ۱۳٤۳ ذکرشده، این عقیـده را بـه چـالش می‌کشـد. بـه‌هرحال بحث قاعده آتش‌نشان در وضعیت فعلی منابع حقـوق خصوصـی دارای خـلأ اسـت. تنهـا قضـات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌توانند با استناد به اصل ۱۶۷ ق.ا.ا و همچنین تفاسیر فقهی مذکور در بخش پیشین آن را بـه رویـه قضائی وارد نمایند.

از نظر تشـریفات دادرسـی نیـز خسـارت‌دیـده مـی‌بایسـت دعـوای خسـارت را مسـتقیما از خسارت‌زننده طلب نماید که در صورت احراز ارکان ثلاثه، محکومیت وی صادر مـی‌شـود. سـپس طی دعوای جداگانه نجات‌دهنده از نجات‌یافته طلب خسارت کند که ممکـن اسـت حسـب قاعـده احسان، محکومیت نجات‌یافته اعلام شود، اما الزامی بر این مهم نیسـت و ممکـن اسـت دعـوی در نهایت رد شود.

منابع حقوق کیفری با پیش کشیدن بحث اضطرار، تنها به رافعیت از مسـئولیت کیفـری اشـاره داشته‌اند. به‌موجب ماده ۱۵۲ ق.م.ا هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلـی یـا قریـب‌الوقوع از قبیـل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به‌منظور حفظ نفس یـا مـال خـود یـا دیگـری مرتکـب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست، مشروط بـر اینکـه خطـر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتکابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

در این ماده حقوقی اولاً که نجات‌دهنده مجـرم دانسـته شـده و تنهـا مسـئولیت کیفـری وی مرتفع شده است. این در حالی است که اصولاً وی جرمی مرتکب نشده، چراکـه انگیـزه وی مثبـت می‌باشد. از طرف دیگر قانون‌گذار تنها مسئولیت کیفری وی را مرتفع دانسـته کـه منظـور مجـازات تعزیری، قصاص و حد است. اما در خصـوص دیـه ایـن ماده‌قـانونی دارای خـلأ بـوده و در رویـه قضائی معمولاً دیه در این موارد مدنظر است. از طرف دیگـر منبـع حقـوقی مـذکور دارای مباحـث کیفری بوده و بحث جبران خسارت مادی نیز دارای خلأ است. از طرف دیگـر بـه فـرض انتسـاب مسئولیت جبران خسارت مالی یا جانی، وظیفه پرداخـت آن نیـز نامشـخص اسـت. تفاسـیر موسـع حقوقدانان از این ماده نمی‌تواند پرکننده خلأ حقوقی باشد و نیاز بـه رأی وحـدت رویـه یـا نظریـه مشورتی مسئولین قضائی محسوس است.

اصل ۱۶۷ ق.ا.ا ناظر بر مسائلی بوده که در منابع حقوقی وجود نداشته باشد. بـه‌عنوان‌مثال دیـه جنابت بر منافع به‌صورت محـدود در ق.م.ا ذکرشـده و درصـورتی‌که مـورد دیـه خـارج از مـوارد مذکور باشد، قاضی به استناد اصل مذکور به منابع فقهی مراجعه کرده و احکـام مـرتبط را اسـتخراج می‌نماید (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۶۰). در خصوص جبران خسارت، منابع حقوقی فعلی صراحتاً به لـزوم جبران خسارت توسط مقصر مستقیم تأکید کرده‌اند. اگر ضمن تبصـره یـا اسـتثنائی، ایـن مسـئولیت

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قابل‌انتقال بود، صراحت حقوقی در این خصوص محرز می‌شد (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۹: ۷٤). درعین‌حال اگر قانون‌گذار در خصوص مسئولیت مستقیم مقصر صحبت نمی‌نمود، می‌توان ضمن استناد به اصل ۱٦۷ ق.ا.ا کلیه احکام را از منابع فقهی دریافت می‌نمود. اما در وضعیت فعلی که قانون‌گذار مستقیماً به تقصیر شخص مرتکب اشاره دارد، اتکا به منابع فقهی به نظر دارای ایراد خواهد بود (امامی، ۱۳۹۹: ۷٤). در بررسی رویه حقوقی مرتبط، چنین برداشت‌شده که قضات و یا اعضای شورای حل اختلاف حسب اصول اخلاقی و انسانی سعی در اقناع ذینفع به پذیرش خسارت دارند. البته مواردی از محکومیت ذینفع به جبران خسارت گزارش‌شده که البته به‌صورت رأی وحدت رویه صادر نشده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۵: ۷٤).

بنابراین در وضعیت کنونی که قانون در این مورد سکوت کامل نکرده و درعین‌حال دراین‌باره صراحت ندارد؛ چند حالت متصور است: نخست آنکه، با استناد به اصل ۱٦۷ ق.ا.ا و تفاسیر فقهی به خصوص قاعده احسان، ذی‌نفع به جبران خسارت محکوم شود. دوم آنکه حسب استناد به عرف و اخلاق عمومی ذی‌نفع به جبران خسارت محکوم شود. سوم آنکه حسب تلاش دادرس برای حل اختلاف، ذی‌نفع جبران خسارت را می‌پذیرد و چهارم آنکه در خلأ حقوقی و ضمن استناد شکلی به منابع حقوقی، نجات‌دهنده به پرداخت خسارت محکوم شود.

۵- روش تحقیق

روش تحقیق به‌صورت تحلیلی-توصیفی است که در علم حقوق رواج داشته و فاقد محاسبات عددی است. محقق با استفاده از منابع معتبر فقهی و حقوقی سپس فیش‌برداری از آنان نسبت به تحلیل و توصیف مطالب اقدام کرده است.

ازنظر اصول انسانی، هیچ‌چیز برتر از جان انسان نبوده و درراه نجات این جان، تفدیه مادی امری منطقی محسوب می‌شود. در حیطه مباحث کیفری، بسیاری از جرائم که باهدف نجات جان انسان ارتکاب یافته، دارای توجیه و فاقد مسئولیت کیفری دانسته شده است. اما در مباحث حقوق خصوصی، این قاعده عمدتاً جنبه اخلاقی داشته و فرد ذی‌نفع، اخلاقاً خود را ملزم به جبران خسارتی دانسته که باهدف حفاظت از جان وی ایجادشده است. اما نیاز است که به این مهم جنبه رسمی بخشیده شده تا امکان سوءاستفاده از آن میسر نباشد، چراکه در صورت عدم پذیرش جبران خسارت توسط ذی‌نفع، ازنظر حقوقی پرداخت این خسارت بر عهده خسارت‌زننده خواهد بود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بنابراین انجام این تحقیق ضرورت دارد.

٦- یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش بررسی قابلیت اعمال قاعده آتش‌نشان در نظام حقوقی ایران بود. چنین نتیجه شد که این قاعده در منابع حقوقی فعلی صراحت نداشته و تنها به موجب قواعد احسان، لاضرر، اتلاف و تسبیب و همچنین استناد به اصل ١٦٧ ق.ا.ا می توان این قاعده را اعمال نمود. ضمن این که رسیدگی به تشریفات این دعاوی پیچیده بوده و ابتدا خواسته جبران خسارت علیه نجات‌دهنده مطرح می‌گردد. بنابراین ممکن است به موجب استنادات مذکور، مسئولیت جبران خسارت طی دعوای ثانوی به نجات‌یافته انتقال یابد. اما باتوجه به فقدان صراحت حقوقی و همچنین عدم رای وحدت رویه در این خصوص، این مهم به عنوان یک قاعده در نظام حقوقی کشور جایی نداشته و قضات نیز الزامی به تبعیت از آن ندارند، بنابراین احتمال رد درخواست نجات‌دهنده در خصوص انتقال مسئولیت جبران خسارت به نجات‌یافته ممکن است. پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار ضمن اضافه کردن مفادی به «ق.م»، «ق.م.م» و «ق.م.ا» نسبت به تصریح در وضعیت مسئولیت‌های کیفری و مدنی، و همچنین قابلیت انتقال آن به نجات یافته اقدام نماید. ضمن آنکه نسبت به ساده سازی تشریفات رسیدگی به موضوع تحت عنوان یک دادخواست در نظام قضائی اقدام نماید.

در صورت اعمال قاعده آتش‌نشان در نظام حقوقی ایران، می‌بایست اصلاحاتی در قوانین مدنی و کیفری صورت پذیرد که ذیلاً به بحث در این خصوص پرداخته‌شده است.

٦-١. اصلاح قانون مدنی

قانون مدنی چندان در خصوص جبران خسارت صراحت ندارد. البته حسب برخی قواعد این منبع حقوقی، می‌توان استثنائات ارکان ثلاثه را یافت. به عنوان مثال بحث دعاوی پیشگیرانه در ق.م مطرح بوده و به‌موجب ماده ١١٤ همین قانون، «هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید، مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگر ممکن باشد.» به این نوع دعاوی، پیشگیرانه گفته‌شده و درحالی‌که هنوز خسارتی ایجاد نشده، افراد ملزم به جبران خسارت می‌شوند. بنابراین می‌توان جنبه‌هایی از «ق.م» را استثنائی بر ارکان ثلاثه دانست که قانون‌گذار به خلط برخی مسائل آن توجهی ننموده است. اما در تفسیر موسع این مواد می‌توان چنین بیان داشت که دفع خطر احتمالی واجب بوده و قاعده مسئولیت مدنی و ارکان ثلاثه انتساب آن مطلق نیست. هرچند

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

که این تفسیر عام و مستلزم استناد حقوقی است. در خصوص ذی‌نفع بودن از خسارت تنها خسارت مشترک مذکور در قانون دریایی صراحت داشته و به‌موجب ماده ۱۸۵ این قانون، درصورتی‌که حفظ سلامت کشتی مستلزم تفدیه کالای درون کشتی باشد، می‌بایست آن کالا را به دریا انداخت و یا در صورت لزوم به‌عنوان سوخت استفاده کرد. در این صورت خسارت وارده محاسبه‌شده و به‌تناسب سهم در کل بار کشتی، مابین ذی‌نفعان تقسیم می‌شود.

بنابراین می‌بایست تأسیسی با عنوان ذی‌نفعی از ایجاد خسارت در «ق.م» ذکرشده تا به‌موجب آن، مسئولیت جبران خسارتی که باهدف حفاظت از جان و مال فردی دیگر انجام‌شده، به ذینفع منتقل گردد، چنانچه مشابه این مهم در قانون دریایی وجود دارد. البته انگیزه و نیت مثبت دراین‌باره می‌بایست از شروط انتساب محسوب شود، چراکه ایجاد خسارت عمدی در حیطه حقوق کیفری مستوجب مجازات خواهد بود.

۶-۲. اصلاح قانون مسئولیت مدنی

منبع حقوقی مذکور نسبتاً مختصر بوده و تنها در ماده نخست، ارکان ثلاثه را برشمرده است. در مواد دیگر به برخی مصادیق مسئولیت مدنی اشاره شده، لیکن کامل به نظر نمی‌رسد. اما در جریان تعریف مسئولیت مدنی جبران خسارت، هیچ تبصره یا استثنائی ذکر نشده و بنابراین این قاعده در حال حاضر مطلق فرض می‌شود. البته بحث نیت و انگیزه عمدتاً در حقوق کیفری موردبحث بوده که جنبه جبران خسارت مادی نیز به این رسته مرتبط نیست. از طرف دیگر انگیزه و نیت در حقوق خصوصی جایگاه چندانی ندارد. بنابراین نیاز است که در خصوص اثر انگیزه بر مسائل حقوق خصوصی تأسیسی صورت پذیرد. باتوجه به ذکر مصادیق پراکنده از مسئولیت مدنی در این منبع حقوقی، نیاز بود که قانون‌گذار در خصوص خسارات عمدی ایجادشده بدون سوءنیت مطالبی بیان داشته و در این قسمت در خصوص انتقال مسئولیت مدنی نیز صراحت به خرج دهد. در حال حاضر مسئولیت جبران خسارت به‌موجب قراردادهایی همچون بیمه قابل‌انتقال است. البته بیمه قراردادی اختیاری بوده، لیکن انتقال قهری این مسئولیت نیز جای تأسیسی جدید دارد. بنابراین انتظار می‌رود که حتی به فرض عدم اشاره مستقیم به‌قاعده آتش‌نشان، در تبصره قانونی، بحث انتقال قهری جبران خسارت به‌پیش کشیده شده که زمینه استناد قضات به آن فراهم شود.

۶-۳. اصلاح قوانین کیفری

طبیعتاً ماهیت حقوق کیفری، پذیرای بحث جبران خسارت مادی نیست. اما ممکن است

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خسارت جانی باهدف ممانعت از خسارتی سنگین‌تر ایجاد شود. چنانچه بیان شد، ماده ۱۵۲ ق.م.ا که ذیل فصل دوم این قانون با عنوان «موانع مسؤولیت کیفری» جای گرفته، اضطرار را از موانع مسئولیت کیفری برشمرده است. البته برای محسوب شدن در این ماده شروطی ذکر شده که پیش‌تر به آن اشاره شد. اما دو خلأ در این ماده مشهود است. اولاً، این‌که در خصوص معافیت مطلق یا جزئی از مسئولیت کیفری صحبتی نشده، ثانیاً، به شخصی یا قابل‌انتقال بودن مسئولیت اشاره‌ای نشده است. به‌عنوان مثال قتل توسط شخص مست، که از عوامل رافع مسئولیت کیفری است، تنها موجب رافعیت از مسئولیت قصاص خواهد شد، لیکن دیه کامل قتل بر قاتل محرز است. این مهم با وجود عدم صراحت ق.م.ا در ادبیات و عرف حقوقی جای گرفته است. البته دفاع مشروع حسب صراحت کامل تبصره سوم ماده ۱۵٦ ق.م.ا، حتی از پرداخت دیه نیز معاف است. به فرض ارتکاب قتل توسط مجنون، باوجود معافیت وی از قصاص، دیه می‌بایست توسط عاقله پرداخت شود. بنابراین به‌احتمال قوی در وضعیت اضطرار، پرداخت دیه محفوظ است و مجرم از مجازات‌های تعزیری، دیه یا حد معاف می‌شود. اولاً، نیاز است که در خصوص تمامی عوامل رافعه مسئولیت کیفری، وضعیت پرداخت دیه به‌صورت صریح در منبع حقوقی مذکور مشخص شود، ثانیاً در خصوص انتقال آن نیز صراحت به خرج داده شود، همان طور که در خصوص پرداخت دیه توسط عاقله و عدم پرداخت دیه در دفاع مشروع، قانون‌گذار صراحت به خرج داده است. بنابراین نیاز است که ضمن اعلام وضعیت پرداخت دیه در حالت عمومی برای کلیه عوامل موجه جرم یا موانع مسئولیت کیفری، ضمن اضافه شدن تبصره به ماده ۱۵۲ ق.م.ا در خصوص انتقال این مسئولیت به ذی‌نفع، صراحت لازم به خرج داده شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قانونگذار همواره آثار تصویب قانون را مدنظر دارد. گاه همان اثر مبنای قانونگذاری قرار خواهد گرفت. یکی از اهداف اجتماعی، رشد حس همنوعی است. برای همین موضوع، قانونگذار در سال ۱۳٥٤ قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی را تصویب نمود که تاکنون معتبر است. به موجب ماده یکم این قانون، هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به‌مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند، بدون

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اینکه با این اقدام خطری متوجه خود خود او یا دیگران شود و باوجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک از اقدام به این امر خودداری نماید. به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه‌هزار ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضای حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه‌ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن‌شخص آسیب‌دیده و اقدام به درمان او یا کمکهای اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می‌شوند. بنابراین یکی از سیاست‌های تقنینی، می‌تواند افزایش انگیزه برای کمک به هم‌نوعان باشد. برای این منظور قانونگذار از هر ابزاری استفاده خواهد نمود. در قوانین رانندگی نیز خودداری از کمک به مجروحین مستوجب قتل عمد خواهد بود.

در حال حاضر برخی ناخواسته‌های تقنینی موجب استرس در انجام برخی افعال است. به عنوان مثال ذکر شود که پس از شهادت چند مامورین نیروی انتظامی به دست اشرار، انتقادات زیادی به قانون به کارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳ مطرح شد که بر این اساس، شرایط سخت حقوقی در استفاده از سلاح، موجب استرس نیروهای مسلح در استفاده از آن شده به نحوی که در اکثر مواقع، سعی در عدم استفاده از سلاح دارند. همین امر موجب شهادت چند مامور نیروی انتظامی به دست اشراری شده که به سلاح سرد مسلح بودند. این حوادث برای چهره پلیس کشور خوشایند نیست.

در جامعه اسلامی–ایرانی هرگونه کمک برای نجات جان افراد می‌بایست بدون استرس و تردید صورت گیرد. در وضعیت کنونی که قانون‌گذار در خصوص قاعده فقهی مهم احسان صراحت ندارد، ممکن است افراد مسئول/غیرمسئول در کمک به دیگران در این مورد دچار تردید شوند. گاه برخی افارد همچون آتش‌نشانان یا نیروهای پلیس حسب وظیفه شغلی خود مسئول کمک به شهروندان هستند. اما گاه برخی افراد بدون مسئولیت به کمک دیگری می شتابند. بنابراین این کمک می‌بایست بدون هیچ‌گونه دغدغه خاصی صورت پذیرد. در وضعیت کنونی اگر فرد نجات‌یافته به موجب اصول اخلاقی پرداخت خسارتی که به موجب آن نجات یاتفه را تقبل نکند، پیگیری این مهم مستلزم پیگیری‌های پیچیده حقوقی بوده که در خلا قانونی ممکن است به رد درخواست نجات‌دهنده بیانجامد. این مهم موجب کاهش انگیزه در کمک به نیازمندان است. در صورتی که قانون‌گذار در این مورد صراحت به خرج دهد، انگیزه کمک به شهروندان نیازمند

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

افزایش خواهد یافت.

جدا از مسائل تقنینی، ممکن است رویه قضائی و تشریفات دادرسی به این موضوعات، بسیار زمان‌بر و دست و پاگیر باشد. در مورد پیشین به قانون سلاح اشاره شد، ریاست محترم قوه قضائیه در پاسخ به انتقادها نسبت به این قانون، آن را کامل و جامع دانست، لیکن رویه رسیدگی به تیراندازی مأمورین را پیچیده دانست که مأمور را از تیراندازی حتی در صورت ضرورت باز می دارد. در خصوص عوامل موجه جرم نیز همین مسئله صادق است. باوجود آنکه حالاتی از جمله اضطرار، دفاع مشروع و چند مورد دیگر از عوامل رافع مسئولیت کیفری برشمرده شده، پیگیری قضائی در این مورد آن‌چنان زمان‌بر و پیچیده است که افراد را از انتخاب این گزینه ها بازمی دارد. بنابراین در خصوص کمک به دیگران، می‌بایست رویه قضائی معتدلی را با این هدف انتخاب کرد که افراد در اجرای این فعل، دارای اختیار لازم بوده و از ترس پیگیری‌های پیچیده قضائی از این اقدام خودداری ننمایند.

فهرست علائم و اختصارات

ه.ق	هجری قمری
ق.ا.ا	قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳۶۹
ق.م.ا	قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲
ق.م.م	قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹
ق.م	قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱۶

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی(۱۳۹۹). آئین دادرسی مدنی، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.

امامی، سید حسن(۱۳۹۹). حقوق مدنی، قم: اسلامیه، چاپ اول، جلد اول.

بادینی، حسن(۱۳۹۵). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد اول.

بجنوردی، محمد حسین(۱٤۱۹ ه.ق). قواعد فقهیه، قم: نشر هادی، چاپ اوّل، جلد اول.

بهرامی احمدی، حمید(۱۳۹۵). ضمان قهری مسئولیت مدنی، تهران: نشر دانشگاه امام صادق، چاپ سوم، جلد اول.

جعفری لنگرودی، جعفر(۱۳۷۲). دانشنامه‌ی حقوقی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد اول.

حبیبی قبادیان، نشاط(۱۳۹۷). آیین رسیدگی به خسارات دادرسی با تاکید بر رویه قضایی، *قانون یار*، ٦(۲)، ۵۰-٦۰.

حسینی‌نژاد. حسینقلی(۱۳۸۹). مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد، جلد اول، چاپ اول

رنجبر، حسین(۱۳۹۵). مسئولیت کیفری نیابتی، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، جلد اول.

شایگان، اسماعیل؛ آشوری، محمد(۱۳۹۷). نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بیگناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی، *پژوهش حقوق کیفری*، ۲۳(٦)، ۵۲-٦۱ .

طباطبایی لطفی، عصمت السادات؛ روشنی، محمود(۱۳۹۵). قاعده تسبیب و رابطهٔ آن با قاعده اتلاف، مطالعات فقهی و فلسفی، ۷(۲)، ۷۱-۷۸.

طباطبائی نژاد، سید محمد؛ کاظمی، محمود(۱۳۹۸). تعامل حقوق عمومی و خصوصی در مورد مسئولیت مدنی، *مطالعات حقوق خصوصی*، ٤۹(٤)، ۷۰۵-۷۱٤.

عبداللهی، اسماعیل(۱۳۹۳). مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، تهران: میزان، چاپ اول، جلد اول.

عموزاد مهدیرجی، رضا(۱۳۹۵). ایرادات قضائی بر نحوه طرح دعاوی حقوقی، تهران: دادگستر، چاپ اول، جلد اول.

فخرالمحققین(۷٦۰ ه.ق). ایضاح الفوأد فی شرح اشکالات القواعد، قم: نشر اسماعیلیان، چاپ اول، جلد اول.

فرزانه، سعید؛ حیاتی، علی عباس(۱۳۹۹). آثار انتخاب نظریه وحدت یا تعدد مسئولیت مدنی بر تشریفات دعاوی خسارت در حقوق ایران و فرانسه، *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۹(۱)، ۱۳۸-۱٤۵.

قاسم‌زاده، سیّد مرتضی(۱۳۸۷). الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم، جلد اول.

قانون اساسی ایران، مصوب ۱۳۵۸، بازنگری شده در سال ۱۳٦۹

قانون بکارگیری سلاح، مصوب ۱۳۷۳.

قانون دریایی ایران، مصوب ۱۳٤۳.

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی، مصوب ۱۳۵٤.

قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۱٦، با آخرین اصلاحات.

قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹

یزدانیان، علیرضا(۱۳۷۹). حقوق مدنی؛ قلمرو مسئولیت مدنی، تهران: نشر ادبستان، چاپ اول، جلد اول.

Davidson, N. M., & Schragger, R. (2021). Do Local Governments Really Have Too Much Power? Understanding the National League of Cities' Principles of Home Rule for the Twenty-First Century. *North Carolina Law Review, Forthcoming, Virginia Public Law and Legal Theory Research Paper*, (2021-46).

McMichael, M. A., & Smith-Blackmore, M. (2021). Current rules and regulations for dogs working in assistance, service, and support roles. *Veterinary Clinics: Small Animal Practice*, *51*(4), 821-837.

Sadeghian, M., Tabibi Jabaly, M., & Yazdanian, A. (2021). The Rescue Doctrine in American law and the analysis of its Foundations in Iranian Law. *Comparative Law Researches*, *24*(4), 121-143.

Sadeghian, M., Yazdanian, A., Tabibi Jebelly, M., & Alsharif, M. M. (2021). The civil liability of occupants for injuries incurred by firefighters by comparative study of American law. *Comparative Law Review*, *12*(1), 169-189.

Watkins, E. A., McKenna, M., & Chen, J. (2022). The four-fifths rule is not disparate impact: a woeful tale of epistemic trespassing in algorithmic fairness. *arXiv preprint arXiv:2202.09519*.

Archive of SID.ir